

## علل عدم موفقیت کامل در برکناری رژیم اشغالگر جمهوری اسلامی در ایران

تجربه چهار مرحله خیزش و یا بعبارتی منطقی تر، رستاخیز ملت ایران، در سالهای 1378، 1388، 1396 و همچنین در روزهای پایانی ماه آبان در سال 1398 را شاهد بوده ایم.

با توجه به کوششهای فراوان مردم، بویژه نسل جوان در پهنه و گستره نیا خا کمان که با از جان گذشتگی فراوان برای چندمین بار همراه با دیگر هم میهنانمان، نجات مام میهن را هدف قرار داده بودند را دیدیم و دگربار، تبدیل به آتشی زیر خاکستر شدنش را شاهد.

گرچه هنوز هم جسته و گریخته در مناطقی از کشور، این فرزندان دلاور و جان بر کف میهن، در تلاش زنده نگاهداشتن این آتش خشم و نفرت اند و شبانه روز در پی وارد آوردن ضربات سهمگینی بر پیکر رژیم خونخوار جمهوری اسلامی، ولی دلیل عدم دسترسی به ابزار، وسایل، تجهیزات و امکانات لازم چه از نظر مادی و چه از نظر کیفیت کاری، همراه با نبود یکپارچگی، محافظه کاریهای غیر منطقی در برابر دشمنی وحشی و مسلح تا بدندان... هم میهنان ما در درون کشور قادر نیستند آنگونه که خواهان آنند عمل کنند.

حال سؤال در اینست که عوامل سیاسی و اجتماعی، همراه با نبود مکانیزم های لازم جهت رسیدن به هدف که در نهایت، فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی ایست، در چه نهفته است.

لازم است به یکایک نکاتی که در زیر به آن اشاره خواهد رفت، با استفاده از آنه و با شفافیت کامل بدانها پرداخت تا بتوان با بذل توجه به آنها، آسیبهای وارده بر خود را در ابتدا زدود و سپس در راستای نجات ایران و رهایی ایرانیان، گامی محکم و استوار و با توانمندی لازم برداشت، تا ریشه چنین زائده بیمار گونه و بدخیمی بنام جمهوری اسلامی در ایران را از تمامی پهنه و گستره مام میهن پاک نمود.

نکاتی که در ذیل بدان پرداخته خواهد شد، بدون توجه به سیاستهایی ایست که کشورهای بیگانه در گذشته های دور و نزدیک، و در برهه های مختلف زمانی، بر اساس منافع خود با ایجاد معادلات، مراودات، زد و بند های سیاسی، و بویژه اقتصادی با رژیم ملایان داشته و هدف اصلی از این نوشتار صرفاً "پرداختن به وضعیت و موقعیت و جایگاه ویژه ایست که هم میهنان ما و بویژه در درون ایران با آن بصورتی خلاصه روبرو هستند.

1. آیا علت، بخاطر عدم وجود یکپارچگی و اتحاد در عمل همه شهروندان ایرانی در درون و برون از ایران می باشد؟ اگر آری به چه دلیل؟

### در درون ایران:

#### دلایل نبود در یکپارچگی:

- دغدغه خاطر و ترس و وحشت از بازماندگی در زمینه تامین معیشت زندگی
- فاصله گرفتن از معضلات و مشکلات مطرح در جامعه و با برخوردهایی بی تفاوت نسبت به عوارض آن. خود بیگانگی نسبت به این امر مهم و غافل از اینکه روزی نه چندان دور، همه آنان دچار این فاجعه هولناک خواهند گشت.
- بی تفاوتی نسبت به وضعیت اسفبار زندگی طبقه کم درآمد، بیکاران، از کار افتادگان و آنانی که فاقد هرگونه امکانات زندگی اند و فارغ بودن از سبب ساز این مصائب و معضلات، یعنی رژیم.
- عدم وجود همبستگی و پشتیبانی با سایر هم وطنان در مقام اعتراض به رژیم در زمینه مشکلات، نارسائی ها، معضلات، تبعیض ها و فشارهای وارده چه از نظر اقتصادی و یا اجتماعی و چه از نظر رفاهی و آسایش و امنیت برپایه باورمندی شدید برخی از هم میهنان به فلسفه وجودی دین اسلام که یکی از شاخصه های آن، بازدارندگی ابراز مخالفتها و همچنین پذیرش هرگونه جور و

ستم و درد و محنت به دلیل باور داشتن به مقدرات، تقدیر، سرنوشت و همچنین احترام گذاردن به مقدساتشان بر پایه دین باوری آنان و طبعاً واگذار نمودن اراده و تصمیم خود به متولیان دینی در هر زمینه ای.

- وجود ترفندها و سیاست‌گزاریهای روباه‌صفتانه رژیم دینی که با ایجاد جدایی از طریق به‌مزدور گرفتن برخی از مردم برای خدمت به رژیم جمهوری اسلامی و ایجاد تفرقه، تبعیض، پایمال نمودن حقوق انسانی مردم در همه موارد.
- ایجاد جدایی با تفرقه افکندن بین جامعه بر پایه مقولاتی همچون قومیت، زبان، جنسیت، باورها و حتی سنن و آداب و رسوم.
- ایجاد عمدی میزان افزایش بزهدکاریها، بی‌اخلاقیها یا بعبارتی، اضمحلال اخلاقی در جامعه، آموزه‌های بسیار ناپسند و غیر اخلاقی از طریق رسانه‌های گروهی دولتی و بویژه تبعیض پیرامون حقوق زنان در خانواده و اجتماع و بسیاری از تلقینات فکری انحرافی و گسترش خرافه‌ها، موهومات و بسیاری از مقولات نامناسب و نادرست یا بعبارتی تلقین ناهنجاریهای نامبرده شده در جامعه ایران.

### در برون مرز:

در برون مرز، تحت عنوان اپوزیسیون، میتوان موارد بیشماری را مطرح نمود، که بدلیل طولانی شدن ای نوشتار تنها به پارهای از آن پرداخته خواهد شد.

- مهاجرت اجباری بسیاری از هم‌میهنان به سرزمینهای مختلف، عامل ایجاد تعارض فکری و فرهنگی در بطن اندیشه و رفتار اجتماعی بسیاری از مردم ایران شد. تا جائیکه این تعارض تبدیل به دگرگونی نا‌هنجار شخصیتی و از خود بیگانگی یا بعبارتی، بدست فراموشی سپردن خویشتن خویش گردید.
- بی‌گمان، در طی این مسیر، بسیاری توانستند خود را با فرهنگ متعارف جامعه کشور محل اقامت وفق داده و این نکته، درحالی که عامل جذب آنان در آن جوامع شد ولی در رهگذر قبول این شاخصه‌های فرهنگ اجتماعی آن سرزمین‌ها، در قالب رفتار فردی آنان نیز دگرگونی دیگری که به تحول اندیشه و پیشرفت دیدگاه آنان انجامید صورت گرفت.
- آنچه که ما ایرانیان را با وجود تحول و پیشرفت فکری با زندگی کردن در جوامع غربی نتوانسته بدان درجه از پیشرفت در درک دیدگاههای سیاسی کند... عدم آشنایی به دانش مصالحه **COMPROMISE** در امر سیاست است.
- ایجاد مرز بندیها و محدود نمودن وسعت فکری در چارچوب یا قالب اندیشه و ایدئولوژی شدن، ما ایرانیان را دچار معضل بیمارگونه، دو یا چند دستگی کرده و ما را از دست یابی به هدف اصولی مان دور نگاه داشته است.
- تضادها و تفاوتها در زمینه باورهای سیاسی ایرانیان در برون مرز بقدری ریشه در اندیشه‌ها و نشان دوانیده که تبدیل به یک مبارزه منفی بین خودی شده است. تا زمانی که ما در این دور تسلسل عقیدتی می‌چرخیم و بجای هم‌اندیشی پیرامون ایجاد یک اتحاد و همبستگی، در یک ایستایی ایدئولوژیکی دست و پا می‌زنیم، چشم اندازی برای نجات مام میهن وجود ندارد.
- باید از ایسمها که همچون موانع بی‌فایده‌ای محسوب می‌گردند عبور کرد تا به فراخنای گسترده اندیشه‌های فارغ از اینگونه باورهای محدود و محصور شده در تنگنای دالانهای ایدئولوژیکی راه را گشود تا سبب ساز نجات سرزمینمان گردیم. نجات مام میهنمان صرفاً در گرو همبستگی، اتحاد در عمل است، آنانی که با جناح بندی و پافشاری بر باورهای خود سعی در جدائی نیروهای انسانی دارند، نتیجه بسیار معکوس را بدست خواهند آورد.

2. با توجه به مطالب فوق:

ایا یکی از دلایل "عدم همبستگی ملی" ... خلاء در وجود یک مجموعه هدایت کننده ای که دارای آن میزان از توانمندی در زمینه مدیریت و یا رهبری... و بویژه در ارائه طرحها و روشهای استراتژیک ... همراه با تاکتیک های عملیاتی لازم نیست تا بتواند سهم خود را در درازای این مبارزه ادا کند؟

- طبیعتاً "عدم وجود مدیریت یا رهبری در به ثمر رساندن حرکت مردمی، خود یکی از کاستیهای بسیار چشمگیر و مهم است. چنین کمبودی نه فقط در زمینه دارا نبودن طرح و پروژه ای کاملاً" محاسبه شده و براساس برآوردهای لازم در تمامی زمینه هاست، بلکه مدیریت حرکت یا جنبش بر پایه تاکتیکهای عملیاتی مرتب و ادامه دار، تا حصول نتایج مورد نظر جهت دستیابی به هدف اصلی، لازمه پیروزیست.
- این بخش از کار عملیاتی، از جایگاه ویژه ای برخوردار و چنانچه در این مورد ... کاستیها و اشکالات در وجود برنامه ها ایجاد گردد، جنبش محکوم به شکست و بدون شک... حاصل نبود یک مدیریت کار ساز و اصولی... هرج و مرج و بی نظمی ایست که عامل اصلی ایجاد هزینه های بیشمار جانی و مالی خواهد بود.
- باید در نظر داشت که در مبارزه با رژیم هستیم که نه تنها تا دندان مسلح، بلکه بسیار دمدنشانه و وحشیانه با مردم مقابله کرده و خواهد کرد. شاهد این مدعا در درازای بپا خیزی های مردم در سالهای 88 و 96 و بویژه امسال (98)، کشته، مجروح و دستگیر شدن هزاران نفر از فرزندان ایران است.
- بایسته است که چنین مدیریتی با قاطعیت تمام با نیروهای مزدور رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برخورد و با مدیریت و رهبری گروههای مختلف در تمامی پهنه و گستره ایران، همواره با ارایه تاکتیک های لازمه بتواند نیروی این مزدوران را از بین برده و در نهایت رژیم مذهبی اسلامی را سرنگون نماید.
- توجه به دارا بودن امکانات و تجهیزات مورد نظر، یکی از اصولی ترین مکانیزم هایی ایست که میتواند در برابر چنین رژیم قرار گرفته و آنرا به نابودی بکشاند.
- اعتصابات سراسری خود، مکانیزم دیگری ایست که میتواند رژیم را ظرف مدت حتی یکماه از پای درآورد.
- تظاهرات در ابعاد بسیار گسترده در سراسر کشور، زمینه ساز توقف در رو یا رویی نیروهای انتظامی و نظامی رژیم با مردم خواهد بود.
- بازتاب جهانی جنبش و یا قیام مردمی نیز خود، دیگر مکانیزمی است که ایرانیان در برون مرز میبایست با تمام نیرو بدان پردازند تا جامعه جهانی از چنین رژیمی بطور کامل رویگردان شود.

3. آیا یکی از دلایل بثمر نرسیدن بپا خیزی های مردمی در ایران، نبود گروهها یا شبکه های زنجیره ای متشکل از نیروهای بویژه جوان در سراسر کشور است؟ در این صورت:

- ایجاد هماهنگیهای لازم در زمینه دارا بودن شبکه های بسیار بزرگ و دامنه دار در سراسر پهنه و گستره ایران، از اهمیت ویژه ای برخوردار و بایسته است که چنین نیروی توانمند مردمی تشکیل، تا با دارا بودن برنامه های عملیاتی - تاکتیکی، قادر به برابری با نیروهای چنین رژیمی شود.
- طبعاً آموزش نیروهای عملیاتی نیز یکی از فاکتورهای اساسی ایست که میبایست بدرستی سازماندهی، تا با آموزش عملیات خیابانی و پدافند از خود به هر شکل ممکنه، توان بسیار بالای مقابله با نیروهای دشمن (جمهوری اسلامی) را کسب نماید.

4. آیا علت، عدم وجود حمایتها و پشتیبانی دول جهانی می باشد؟

- لابیگری و کسب حمایتهای معنوی از دول خارجی، خود دیگر مکانیزم مهمی ایست که میبایست مد نظر گرفته شود. این استراتژی نه فقط در یک قاره، بلکه در تمامی قاره های جهان توسط نیروهای فرهیخته سیاسی که به قوانین بین المللی و حقوق بشری آشنایی و تجربه کامل دارند میتواند به بهترین وجهی انجام، و بصورت برگ برنده ای از آن بنفع پیروزی ملت ایران استفاده نمود.

5. آیا همه نیروهای نظامی و انتظامی رژیم با ملت ایران دشمنی دارند و در برابر شهروندان ایرانی تا دندان مسلح ایستاده اند؟

● نکته مهم دیگری که حائز اهمیت بوده و نمیبایست آنرا فراموش کرد، وجود بخش نسبتاً مهمی از بدنه نیروهای انتظامی و نظامی رژیم ایست که با مردم اند... و صرفاً مترصد فرصت مناسبی اند تا به موقع به مردم بپیوندند.

چون زمانی پیروزی نصیب مردم خواهد شد که جنبش مردمی در بخش عمده ای از مبارزه با پشتیبانی نیروهای نظامی مردمی توأم باشد و برای دستیابی به چنین موقعیتی، درایت در رهبری یا مدیریت درون و برون ا مرز بسیار مهم و اساسی ایست. تاکتیکهای بکار گرفته شده و روشهای بسیار هوشمندانه میتواند نقش بسیار کلیدی در این حرکت ایفا نماید.

نگارنده: داریوش درشتی

06.12.2019